

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

نکاتی به مناسبت شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)

خدا را شکر می‌کنیم که در این دو دهه اخیر در حوزه مقدسه علمیه قم مراجع بزرگ، خصوصاً مرحوم والد ما حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمدفاضل لنکرانی (رضوان الله تعالی علیه) یک اهتمام ویژه‌ای برای احیای فاطمیه مبذول داشتند و قدم‌های بزرگی را برداشتند، خصوصاً پیام‌های بسیار مهمی را صادر کردند که ایشان در وصیت‌نامه‌ی خودشان هم فرمودند: من به یکی از کارهایی که در این عالم انجام دادم و در عالم قبر و قیامت به آن امیدوار هستم پیامی است که در مورد احیای فاطمیه و عزاداری در فاطمیه داده‌ام.

همه ملاحظه کردید که آرام آرام مسئله فاطمیه تثبیت شد و امروز هم بر من و شما و همه طلاب لازم است که این کار را پیگیری کنیم، هر سال واقعاً بتوانیم یک ابعادی از این بی‌بی، از روایات و آنچه از آیات داریم برای خودمان در درجه اول بیان کنیم، معرفت خودمان را نسبت به این بی‌بی زیاد کنیم.

من هنوز معنای این روایت را نفهمیدم که چیست: «و علی معرفتها دارت القرون الاولى»^[1]، و اصلاً به نظرم از جملاتی است که مثل همان تعبیر به «ليلة القدر» که از الفاظی است که معنایش برای ما مجهول است، نه معنای تحت اللفظی‌اش، حقیقت لیل قدر چیست که فاطمه زهرا سلام الله علیها را هم فرموده‌اند لیل قدر است. حقیقتش مجهول است، «و انما سُمِّيتْ فاطمة لأن الخلق فُطِمُوا عن معرفتها»^[2]، اینها تعابیر بسیار عجیبی است؛ یعنی خدای تبارک و تعالی یک زن را آفریده که بشر به معرفت آن زن نخواهد رسید تا قیامت، فاطمه یک زن و یک انسانی مثل بقیه انسان‌ها نبود، از ولادتش گرفته تا تمام خصوصیاتش تماماً به عنایت خاص خدای تبارک و تعالی بود.

این‌که وقتی فاطمه (علیها السلام) وارد مجلس می‌شود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) برمی‌خیزد و به استقبال زهرا (علیها السلام) می‌رود، دست زهرا (علیها السلام) را می‌بوسد که بعضی از اصحاب پیامبر اعتراض می‌کنند که این کار مناسب شما نیست آن هم در انتظار، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: این را به امر خدا انجام می‌دهم، بسیار حرف عجیبی است یعنی تا این مقدار توجه.

باید هر سال خودمان، جامعه خودمان و جوانان خودمان درباره حضرت زهرا (علیها السلام) حرف بزنیم و بفهمیم تا یک اندازه‌ای که فاطمه (علیها السلام) که بود؟ چه موجودی بود؟ ان شاء الله این وظیفه را به احسن وجه انجام بدهیم، هر کسی هر کاری از او برمی‌آید راجع به عزاداری حضرت زهرا (علیها السلام) نباید کوتاهی کند، اگر کسی می‌تواند سخنرانی کند، مرثیه سرایی کند، یک پارچه عزا بر سر درب خانه‌اش قرار بدهد.

نه این که آن بی‌بی نیاز داشته باشد تا برای او عزاداری کنیم، برای ظلم‌هایی که به او وارد شده! او نیازی ندارد ما چنین فاجعه‌ای که محبوب‌ترین خلق خدا بعد از پیامبر فاطمه زهرا (علیها السلام) یک چنین مصیبت‌ها و ظلم‌هایی بر او وارد بشود و ما اگر بخواهیم بی‌تفاوت باشیم اصلاً شیعه بودنمان زیر سؤال می‌رود! یک جملاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از این که فاطمه زهرا (علیها السلام) را دفن کرد دارد. حضرت فرمود: «إلى الله أشكو»؛ یک دادخواهی به محضر خدای تبارک و تعالی کرد، ما هم باید بگوئیم «إلى الله أشكو»، حضرت آنجا فرمود: «أما حزني فسرمد و أما ليلي فمسهد»^[3]، یک حجت خدا این تعبیر را می‌کند که می‌گوید حزن من دائمی است، شب من همیشه مسهد است؛ یعنی از شدت غصه و از شدت این مصیبت باید شب‌ها تا صبح بنشینم و اشک بریزم.

مرثیه خوانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مصیبت حضرت زهرا (علیها السلام)

اول کسی که برای فاطمه زهرا (علیها السلام) مرثیه خوانی کرد و روضه خواند خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) کنار قبر فاطمه (علیها السلام) بود بعد از این که فاطمه زهرا (علیها السلام) را دفن کرد، این تعابیر را باید دقت کنیم: «فلما نفذ يده من تراب القبر هاج به الحزن»؛ وقتی دستش را از خاک برداشت تمام حزن عالم وجودش را گرفت، «فأرسل دموعها على خدي»؛ اشک‌ها صورت حضرت را فرا گرفت، حضرت چکار کند؟ با چه کسی حرفش را بزند؟ با چه کسی دردش را بگوید؟ «و حوّل وجهه إلى قبر رسول الله (صلی الله علیه وآله)»؛ هیچ راهی نداشت جز پناه به خود پیامبر (صلی الله علیه وآله)، هیچ چیزی او را آرام نمی‌کرد جز این که با پیامبر (صلی الله علیه وآله) حرف بزند.

از شدت این مصیبت‌ها رو کرد به قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله): «السلام عليك يا رسول الله»، نه فقط از جانب خودش سلام داد، از این مهمانی که تازه بر رسول خدا وارد شده هم سلام داد! «السلام عليك من ابنتك و حبيبتك و قرّة عينك و زائرتك و البائنة في الثرى ببقعتك»؛ سلام از طرف دخترت و نور چشم خودت، از طرف زائره‌ی خودت، «و المختار لها الله سرعة اللحاق بك»؛ سلام از طرف کسی که خدا چه زود او را از ما گرفت، چه با سرعت او را به تو ملحق کرد، خیلی عجیب است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کند: «قلّ يا رسول الله عن صفيتك صبری»؛ من دیگر نمی‌توانم صبر کنم در مقابل مصیبتی که وارد شده، «و ضعف عن سيدة النساء تجلّدي، لقد استرجعت الودیعة يا رسول الله»؛ ودیعه و امانتی که به من دادی برگردانده شد اما آنچه که دادی و آنچه گرفتی بین چقدر تفاوت دارد؟! «و اخذت الرهينة واختلست الزهراء»؛ زهرا را ناگهان از من گرفتی، اختلاس شد، «فما أقبح الخضراء و القبراء»؛ چه تعبیر عجیبی! اینها تعابیری نیست که ساده باشد؛ چون حقیقت فاطمه (علیها السلام) به همه عالم بستگی دارد، می‌فرماید: دیگر آسمان و زمین تمامش برای ما قبیح و زشت است، عالم برای ما زشت و تاریک است.

حضرت در ادامه می‌فرماید: «يا رسول الله أما حزني فسرمد و أما ليلي فمسهد، لا يبرح الحزن من قلبي»؛ این حزن تا آخر عمر در من وجود دارد و از قلب من بیرون نمی‌رود، «أو يختار الله لي دارك التي فيها أنت مقيم كمدّ مُقَيِّحٍ»؛ یک غده‌ی چرکینی پر از غم در وجود من است؛ یعنی یک غم عادی نیست که بیاید و برود، بلکه غم چرکینی است که در بدن می‌ماند و این غم من را همین‌طور می‌خورد، «و همّ مهیج سرعاناً ما فرّق الله بیننا»؛ چقدر زود بین ما جدایی افتاد. بعد می‌گوید: «و إلى الله اشكو»؛ رسول خدا من به خدا شکایت می‌کنم، این دادخواهی امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از فوت حضرت زهراست که باید یک زمانی این شکایت مطرح شود و این حساب و کتاب بیاید.

بعد فرمودت: ای رسول خدا از دخترت پیرس که امت تو بعد از تو او را هضم کردند، «فاستخبرها الحال»؛ از او سؤال کن، «فكم من قليلٍ معتلجٍ بصدورها»؛ اگر سینه زهرا را ببینی ظلم و ستمی که به این بی‌بی شده در درونش موج می‌زند، «و لولا غلبة المستولين علينا لجعلت المقام عند قبرك». می‌گویند چه خبر است؟! یک کسی که 1400 سال پیش یک ظلمی به او شده است!

نمی‌فهمند! جاهلند! امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آن شخصیتی که بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نظیر ندارد، می‌گوید اگر به خاطر این دشمنانی که دنبال‌اند قبر زهرا (علیها السلام) را پیدا کنند جنازه‌اش را بیرون بیاورند، اگر این قضیه نبود تا آخر عمر کنار قبر زهرا (علیها السلام) می‌نشستم، «لجعلت المقام عند قبرک لزما و التلبّث عنده معکوفاً»؛ معتکف قبر زهرا می‌شدم؛ یعنی اینقدر مصیبت سنگین است.

ما تا به حال چقدر درباره حضرت زهرا (علیها السلام) کوتاهی کردیم، «و لأعولُ إعوَالَ التَّكْلِی علی جلیل الرزیه»؛ مثل یک زن بچه مرده بر عظمت این مصیبت گریه می‌کردم، چه تعبیر عجیبی است! «فبعین الله تُدفن بَنَتک سرّاً و یهتضم حقّها قهراً»؛ در مقابل چشم خدا دختر تو را باید پنهانی دفن کنم، در مقابل چشم خدا حق او را بلعیدند، به زور و غلبه، از ارث آشکارا محروم‌ش کردند، «و لم یطل العهد»؛ تو تازه از دنیا رفته بودی یا رسول الله، زمانی طول نکشیده بود که این ظلم بر دختر تو وارد شد.

بعد دوباره عرض می‌کند: «فإلی الله یا رسول الله مشتی»؛ این شکایتی است که فقط باید قیامت در محضر خدا به خدا عرض کنم، «و فیک اجمل العزاء فصلوات الله علیها و علیک»؛ مرثیه این بوده که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بعد از دفن زهرا (علیها السلام) فرموده است.^[4]

وقتی امام ما همیشه عزادار است، الآن هم در زمان حاضر معتقدیم حضرت حجت (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «فحزنی سرمدٌ لیلی مسهدٌ»، الآن هم بدون هیچ تردیدی حضرت حجت (علیه‌السلام) این حال را دارند، بدون هیچ تردید حضرت حجت (علیه‌السلام) می‌گوید: خدایا من بر مصیبت‌هایی که بر مادرم وارد شده «إلیک اشکو»، ما هم باید عزاداری را هر چه بیشتر انجام بدهیم، این توفیق بزرگی است.

خاطره‌ای از والد معظم (قدس سره)

این خاطره را از مرحوم والدمان رضوان الله تعالی علیه نقل می‌کنم که ایشان واقعاً فاطمی بود و احیاگر فاطمیه بود. من از ایشان یک وقت سؤال کردم که شما چرا همیشه به حضرت زهرا (علیها السلام) متوسل می‌شوید؟ چه دیدید از این بانو؟ مخصوصاً چند ماهه آخر عمرشان با احدی صحبت نمی‌کرد و دائماً در حال خودش بود، اما گاهی اوقات سر مبارکش را بالا می‌آورد می‌گفت: «السلام علیک یا فاطمة الزهراء»، من گفتم شما خیلی متوسل به حضرت زهرا (علیها السلام) می‌شوید؟ فرمودند من از کودکی هر مشکلی داشتم متوسل به حضرت زهرا (علیها السلام) می‌شدم، خیلی هم به ما سفارش کرده، در وصیتنامه‌شان نوشتند: فاطمیه را احیا کنید، عزاداری کنید، انجام وظیفه کنید.

عده‌ای از علمای خراسان خدمت ایشان آمده بودند و ایشان فرمودند: آقایان من به حسب ظاهر بیش از 50 سال درس گفتم، کتاب نوشتم، شاگردان زیادی تربیت کردم، این توفیقی بوده که خدا به من داده، ولی به هیچ چیز اینها در روز قیامت امید نیست! خواستند ارزش اینها را کم کنند، گفتند من به اینها امید نیستم، آنچه که امید دارم فاطمه زهراست، آنچه امید دارم این فریادی است که برای احیای فاطمه زهرا (علیها السلام) و فاطمیه سر دادم، ما هم همین مسیر را خودمان و فرزندانمان دنبال کنیم و این آثار بسیار بزرگی دارد.

روایاتی در عظمت حضرت زهرا (علیها السلام)

می‌خواستم یک روایتی هم بخوانم که روایت پرمعنایی است: «إن الله یغضب لغضب فاطمة و یرضی لرضاها»^[5] که وقت نیست و این را به آینده موکول می‌کنم. عمده بحثم را می‌خواستم همین معنای روایت قرار بدهم که فقط یک جمله‌اش را عرض کنم که اگر کسی مورد غضب خدا قرار بگیرد جایش کجاست؟ خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَنْ یَحِلِّلْ عَلَیْهِ غَضَبِی فَقَدْ هَوَى»^[6]؛ کسی

که غضب خدا بر او قرار بگیرد در نار سقوط می‌کند، «هوی» یعنی هویّ إلى النار است، سقوط در نار است، این خیلی عجیب است که خدای تبارک و تعالی به غضب زهرا غضب می‌کند و این مطلبی عجیبی است که پیامبر(صلی الله علیه وآله) مکرّر فرموده نه یک بار.

در یک نقل پیامبر به سلمان فرمود: «من أحب فاطمة ابنتي فهو في الجنة معي»؛ اگر کسی فاطمه را دوست داشته باشد بهشت کنار من خواهد بود، «و من ابغضها فهو في النار»^[7]؛ کسی که بغض فاطمه(علیها السلام) را داشته باشد در آتش جهنم است. در آخر این روایت هم هست این برای شیعیان فاطمه زهرا(علیها السلام) چه بشارتی است که فرمود: «يا سلمان ويل لمن ظلمها می‌دانست بعد از خودش چه ظلم‌هایی به فاطمه(علیها السلام) خواهد شد، ويل لمن ظلمها چه صبری خدا به پیامبر داده! ويل لمن يظلمها و يظلم بعلمها علیاً و ويل لمن يظلم شيعتها و ذريتها»، این بشارتی است که برای شیعیان فاطمه زهرا(علیها السلام) است.

این حقیقتی که غضب او به دنبالش غضب خدا می‌آید، البته روایت مفصلی هست که در امالی صدوق آمده، در امالی شیخ طوسی آمده، آنجا کسی به امام صادق(علیه السلام) عرض می‌کند که نقل شده: «إن الله يغضب لغضب فاطمة و يرضى لرضاها»^[8]، حضرت می‌فرماید: بله چنین نقلی درست و مسلم است، و عجیب این است که سلسله سند هم خود امام صادق(علیه السلام) از امام باقر(علیه السلام)، از امام سجاد(علیه السلام)، از امام حسین(علیه السلام)، از علی بن ابیطالب(علیه السلام)، تا رسول خدا(صلی الله علیه وآله)، بعد آن شخص می‌گوید: چطور می‌شود خدا به خاطر غضب یک زن غضب کند؟

در اینجا امام صادق (علیه السلام) به راوی (که صندل نام داشته و ظاهراً از عامه بوده) می‌فرماید: مگر خود شما روایت نکردید و نمی‌گوئید خدا به غضب یک مؤمن غضب می‌کند؟ می‌گوید بله، حضرت می‌فرماید فاطمه مؤمن نیست؟ آن هم قبول می‌کند و بعد می‌فرماید: «الله أعلم حيث يجعل رسالته»^[9]، از این ذیل معلوم می‌شود که صندل اصلاً شیعه نبوده، بحث است از جهت سندی در صندل، صندل با صاد و صندل با سین، در بعضی از نقل‌ها راوی دیگری را نقل می‌کنند!

من یک حدسی دارم که برای این که «إن الله يغضب لغضب فاطمة» را موهون کنند در طرف مقابل گفتند: «ان الله يغضب لغضب عبده المؤمن»، بعید نمی‌دانم! ولی آنچه از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به ما رسیده «إن الله يغضب لغضب فاطمة و يرضى لرضاها» است و ما باید این روایت را درست بفهمیم، این که خدا به دنبال غضب فاطمه(علیها السلام) غضب می‌کند و آن وقت قرآن را ببینیم که غضب خدا «اعد له عذاباً الیماً»؛ کسی که غضب خدا شامل حالش می‌شود گرفتار عذاب الیم است، گرفتار لعن خداست، «من يحلل عليه غضبی فقد هوی». پیامبر(صلی الله علیه وآله) درباره دو نفر دارد: یکی فاطمه(علیها السلام) و یکی امیرالمؤمنین(علیها السلام).

ما شهادت فاطمه زهرا(علیها السلام) را خدمت امام زمان(علیه السلام) که اول عزادار و بزرگ عزادار این حادثه است تسلیت عرض می‌کنیم و از آن وجود مقدس می‌خواهیم که برای ایمان و ولایت ما شیعیان، برای یقین ما شیعیان، برای عاقبت به خیری ما شیعیان و برای حلّ مشکلات شیعه، مشکلات جهان اسلام، مشکلات این نظام مقدس جمهوری اسلامی ان شاء الله آن وجود مبارک دعا کنند و بلیه‌ها و بلاها هر چه زودتر برطرف شود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ «و بهذا الإسناد، عن الحسين، عن إسحاق بن عمار، و أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: إن الله (تعالى) أمهر فاطمة (عليها السلام) ربع الدنيا، فربّعها لها، و أمهرها الجنة و النار، تدخل أعداءها النار، و تدخل أوليائها الجنة، و هي الصديقة

الكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتْ الْقُرُونُ الْأُولُ.» الأُمَالِي (للطوسي) ؛ النص ؛ ص668، ح1399-6؛ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج43، ص: 105، ح 19.

[2] «فر، تفسير فرات بن إبراهيم مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنَّأ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا.» بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج43 ؛ ص65، ح58.

[3] «أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَرَمَزَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سِرًّا وَ عَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا ثُمَّ قَامَ فَحَوْلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنْ ابْنِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ عَفَا عَنْ سَيِّدَةِ الْعَالَمِينَ تَجَلَّدِي إِلَّا أَنَّ لِي فِي النَّاسِي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعٌ تَعَزَّى فَلَقَدْ وَسَدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ وَ فَاضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْرِي وَ صَدْرِي بَلَى وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لِي أَنْعَمُ الْقُبُولِ - إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ قَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوَدِيعَةَ وَ أَخَذْتَ الرَّهْيَةَ وَ أَخْلَسْتَ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءُ وَ الْغُبْرَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا حَزَنِي فَسَرَمْتُ وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ وَ هُمْ لَا يَبْرَحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارُ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ كَمَدِّ مُقْبِحٍ وَ هُمْ مَهَيِّجٌ سَرْعَانَ مَا فَرَّقَ بَيْنَنَا وَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو وَ سَتُنَبِّئُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَاهُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأُخْفِهَا السُّوَالُ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالُ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَيْتِهِ سَبِيلًا وَ سَتَقُولُ وَ يَحْكُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ* سَلَامٌ مُودِعٌ لَا قَالَ وَ لَا سَتَمٌ فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَ إِنْ أَقَمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَاهِ وَ الصَّبْرُ أَيْمَنُ وَ أَجْمَلُ وَ لَوْ لَا غَلَبَةُ الْمُسْتَوَلِينَ لَجَعَلْتُ الْمَقَامَ وَ التَّلَبُّثَ لَزَامًا مَعْكُوفًا وَ لَأَعُولْتُ إِعْوَالَ الثُّكْلَى عَلَى جَلِيلِ الرِّزْيَةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ سِرًّا وَ تُهَضَّمُ حَقُّهَا وَ تُنَمَّعُ إِرْتِهَا وَ لَمْ يَتَبَاعَدِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذِّكْرُ وَ إِلَى اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَ فِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْسَنُ الْعَزَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ الرِّضْوَانُ.» الكافي (ط - الإسلامية)، ج1، ص: 459، ح 3؛ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج43، ص: 193، ح 21.

[4] «المجالس للمفيد ما، الأُمَالِي للشيخ الطوسي الْمُفِيدُ عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَرَمَزَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا مَرَضَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَصَّتْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَنْ يَكْتُمَ أَمْرَهَا وَ يُخْفِيَ خَبَرَهَا وَ لَا يُؤَدِّنَ أَحَدًا بِمَرَضِهَا فَقَعَلَ ذَلِكَ وَ كَانَ يَمْرُضُهَا بِنَفْسِهِ وَ تَعِينُهُ عَلَى ذَلِكَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ رَحِمَهَا اللَّهُ عَلَى اسْتِسْرَارٍ بِذَلِكَ كَمَا وَصَّتْ بِهِ فَلَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ وَصَّتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنْ يَتَوَلَّى أَمْرَهَا وَ يَدْفِنَهَا لَيْلًا وَ يُعْفِيَ قَبْرَهَا فَتَوَلَّى ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ دَفَنَهَا وَ عَفَى مَوْضِعَ قَبْرِهَا فَلَمَّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تَرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ فَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَّيْهِ وَ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ ابْنَتِكَ وَ حَبِيبَتِكَ وَ قُرَّةِ عَيْنِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ ضَعُفَ عَنْ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ تَجَلَّدِي إِلَّا أَنَّ لِي فِي النَّاسِي لِي بِسُنَّتِكَ وَ الْحُزْنِ الَّذِي حَلَّ بِي لِإِفْرَاقِكَ مَوْضِعَ التَّعَزِّي وَ لَقَدْ وَسَدْتُكَ فِي مَلْحُودِ قَبْرِكَ بَعْدَ أَنْ فَاضَتْ نَفْسُكَ عَلَى صَدْرِي وَ غَمَضْتُكَ بِيَدِي وَ تَوَلَّيْتُ أَمْرَكَ بِنَفْسِي نَعَمْ وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْعَمُ الْقُبُولِ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ قَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوَدِيعَةَ وَ أَخَذْتَ الرَّهْيَةَ وَ اخْتَلَسْتَ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءُ وَ الْغُبْرَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا حَزَنِي فَسَرَمْتُ وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ لَا يَبْرَحُ الْحُزْنُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارُ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي فِيهَا أَنْتَ مُقِيمٌ كَمَدِّ مُقْبِحٍ وَ هُمْ مَهَيِّجٌ سَرْعَانَ مَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو وَ سَتُنَبِّئُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَاهُرِ أُمَّتِكَ عَلَيَّ وَ عَلَى هَضْمِهَا حَقُّهَا فَاسْتَخْبِرْهَا الْحَالُ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَيْتِهِ سَبِيلًا وَ سَتَقُولُ وَ يَحْكُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلَامٌ مُودِعٌ لَا سَتَمٌ [4] وَ لَا قَالَ فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَ إِنْ أَقَمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنِّي بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ الصَّبْرُ أَيْمَنُ وَ أَجْمَلُ وَ لَوْ لَا غَلَبَةُ الْمُسْتَوَلِينَ عَلَيْنَا لَجَعَلْتُ الْمَقَامَ عِنْدَ قَبْرِكَ لَزَامًا وَ التَّلَبُّثَ عِنْدَهُ مَعْكُوفًا وَ لَأَعُولْتُ إِعْوَالَ الثُّكْلَى عَلَى جَلِيلِ الرِّزْيَةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ سِرًّا وَ يُهَضَّمُ حَقُّهَا قَهْرًا وَ يُنَمَّعُ إِرْتِهَا جَهْرًا وَ لَمْ يَطُلِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذِّكْرُ فَالَى اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَ فِيكَ أَجْمَلُ الْعَزَاءِ فَصَلِّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.» بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج43، ص210-212، ح40.

[5] «عيون أخبار الرضا عليه السلام بالأسانيد الثلاثة عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ (عليهم السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَآلِهِ تُحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَعَهَا ثِيَابٌ مَصْبُوعَةٌ بِالِدَّمِ فَتَتَعَلَّقُ بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ فَتَقُولُ يَا عَدْلُ احْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ

قَاتِلْ وَلَدِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَيَحْكُمُ لِابْنَتِي وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا. « بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج43 ؛ ص220، ح3.

[6] □ سورة طه، آيه 81.

[7] □ «يَا سَلْمَانَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَ مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ يَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) يَنْفَعُ فِي مَائَةِ (مِنَ الْمَوَاطِنِ أَيْسَرُهَا) الْمَوْتُ وَ الْقَبْرُ [وَ الْمِيزَانُ] وَ الْمَحْشَرُ وَ الصِّرَاطُ (وَ الْعَرْضُ وَ الْحِسَابُ) فَمَنْ رَضِيَتْ (ابْنَتِي عَنْهُ) رَضِيَتْ عَنْهُ وَ مَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ ع غَضِبَتْ عَلَيْهِ وَ مَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَا سَلْمَانُ وَ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَ يَظْلِمُ بَعْلَهَا [أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ] عَلِيًّا (عليه السلام) وَ لِمَنْ يَظْلِمُ شَيْعَتَهَا وَ ذُرِّيَّتَهَا.» مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة ؛ ص127؛ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج27، ص: 116، ح 94.

[8] □ «حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ذَرٍّ يَحْيَى بْنُ زَيْدٍ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ الْوَلِيدِ الْبَزَّازُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُنْذِرِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَالِمٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيَغْضَبُ لِعُضْبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكَ قَالَ فَجَاءَ صَنْدَلٌ فَقَالَ لَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ هَؤُلَاءِ الشَّبَابَ يَجِيئُونَا عَنْكَ بِأَحَادِيثَ مُنْكَرَةٍ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ ع وَ مَا ذَاكَ يَا صَنْدَلُ قَالَ جَاءَنَا عَنْكَ أَنَّكَ حَدَّثْتَهُمْ أَنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا قَالَ فَقَالَ جَعْفَرٌ ع يَا صَنْدَلُ أَلَسْتَمْ رَوَيْتُمْ فِيمَا تَرَوُونَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيَغْضَبُ لِعُضْبِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَ يَرْضَى لِرِضَاهُ قَالَ بَلَى قَالَ فَمَا تُنْكِرُونَ أَنْ تَكُونَ فَاطِمَةُ ع مُؤْمِنَةً يَغْضَبُ اللَّهُ لِعُضْبِهَا وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا قَالَ فَقَالَ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ.» الأُمَالِي (للصَّدُوق) ؛ النص ؛ ص383-384، ح 1.

[9] □ سورة انعام، آيه 124.